شناسایی عوامل مؤثر بر انتقال دانش در بستر همکاری‌های دانشگاهی بین‌المللی: مطالعه موردی[1]

رضوان حسینقلی زاده[2]

سمیه ابراهیمی کوشک مهدی[3]

تاریخ دریافت:۱۳۹۳/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۰۲/۰٦

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر انتقال دانش زبان و ادب فارسی در همکاری‌های بین دانشگاهی بین‌المللی می‌باشد. برای دستیابی به این هدف از روش مطالعه موردی بهره گرفته شد. واحد تحلیل را دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل داد و داده‌های موردنیاز از طریق مصاحبه با مطلعان کلیدی گردآوری شد. نتایج حاصل از مصاحبه‌های صورت گرفته در چهارچوب الگوی مفهومی عوامل مؤثر بر انتقال دانش فراملی با تأکید بر چهار مؤلفه اصلی بازیگران، محتوا، زمینه و رسانه موردبحث قرار گرفت؛ بنابراین نتایج، تعدد و تنوع بازیگران باانگیزه‌ها و هدف‌های مختلف در فرایند عرضه دانش زبان و ادب فارسی از ویژگی‌های مهم خدمات آموزش عالی فراملی در ایران و دانشگاه فردوسی مشهد به شمار می‌رود. به‌طورکلی، یافته‌های به‌دست‌آمده حاکی از اهمیت توجه به نقش عواملی چون روابط باز و مبتنی بر اعتماد طرفین، قابلیت‌های جذب و شایستگی طرف مقابل، تفاوت‌ها و اشتراکات فرهنگی، زبانی، دینی و سیاسی، تقویت سرمایه اجتماعی و زیرساخت‌های فنی و اجتماعی به‌منظور غلبه بر محدودیت‌های فیزیکی و جغرافیایی در فرایند انتقال دانش زبان و ادب فارسی در بیرون از مرزهای ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی: آموزش عالی فراملی، انتقال دانش، زبان و ادب فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد

---

[1]. این مقاله نتیجه پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر انتقال دانش در بستر همکاری‌های دانشگاهی بین‌المللی در سال ۱۳۹۲ است.

[2]. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

[3]. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

مقدمه

همزمان با پدیده جهانی‌شدن، ضرورت تحول در نظام آموزش عالی با تأکید بیشتر بر همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مطرح‌شده است. لذا، انتظار می‌رود این نهادها به حذف فاصله بین دانش و فناوری مبادرت نموده و مبادلات علمی، آموزشی و فرهنگی میان ملل و فرهنگ‌ها را تقویت کنند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[1]، ۲۰۰۲). یکی از بارزترین نشانه‌های جهانی‌شدن در دهه‌های اخیر، ظهور بازار آموزش عالی بدون مرز و تلقی آموزش عالی به‌عنوان یک کالای قابل دادوستد است. بازار جهانی با بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و اینترنت توانست بر مرزهای ملی فائق آید و معادله جهانی عرضه و تقاضا در آموزش عالی را تغییر دهد (بازرگان، حسینقلی زاده و اسدی، ١٣٨٦). آموزش عالی فراملی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرایند کلی بین‌المللی شدن قلمداد می‌شود که بر اساس آن دانشجویان، مدرسان، برنامه‌ها، مؤسسات/عرضه‌کنندگان یا مواد آموزشی مرزهای ملی را درهم می‌نوردند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۲). آموزش عالی فراملی بر پدیده عرضه برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی در خارج از مرزهای سیستم آموزش عالی ملی دلالت دارد و معمولاً در چهارچوب آموزش رسمی و یا غیررسمی در کشور میزبان تعریف می‌شود (ویگنولی[2]، ٢٠٠٤). طبق تعریف یونسکو، آموزش فراملی ناظر بر «*کلیه برنامه‌های آموزش عالی، یا مجموعه واحدهای درسی یا خدمات آموزشی (شامل آموزش از راه دور) که توسط موسسه‌ای از کشور مبدأ در کشور مقصد ارائه می‌شود. چنین برنامه‌هایی ممکن است متعلق به سیستم آموزشی کشور مبدأ باشد و یا ممکن است مستقل از سیستم آموزش ملی هر دو کشور مبدأ و مقصد صورت بگیرد.*» (آدام[3]، ۲۰۰۱ به نقل از بازرگان و همکاران، ١٣٨٦). بدون شک آموزش عالی فراملی به‌عنوان تهدیدی برای نظام‌های آموزشی در سطح ملی و مقابله با نقش انحصاری دانشگاه‌های بومی قلمداد نمی‌شود. بلکه آموزش عالی فراملی واکنشی است به تقاضا برای دسترسی به آموزش‌هایی که برخی نظام‌های ملی قادر به تحقق آن نبوده‌اند. با این استدلال که آموزش عالی فراملی به توسعه عرضه آموزش عالی

[1]. OECD

[2]. Vignoli

[3]. Adam

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

به‌ویژه در کشورها یا مناطقی که بین عرضه و تقاضا برای آموزش عالی فاصله زیادی وجود دارد، گرایش دارد (ویگنولی، ٢٠٠٤).

در آستانه قرن بیست و یکم آموزش عالی فراملی به‌عنوان یک دغدغه و چالش مهم و اساسی توجه اغلب کشورها ازجمله ایران را به خود معطوف ساخته است. در راستای سیاست راهبردی توسعه همکاری‌های علمی و بین‌المللی نظام آموزش عالی ایران، از اواخر دهه ۱۳۷۰ دانشگاه‌های ایران از طریق *«آیین‌نامه دوره‌های آموزش عالی مشترک با دانشگاه‌های خارج از کشور»* اقدام به برگزاری دوره‌های آموزش عالی فراملی نموده‌اند. برگزاری این دوره‌های دانشگاهی آغازی بر آموزش عالی فراملی در ایران محسوب می‌شود. طبق آمار سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، دانشجویان آسیایی بیشترین نسبت را در میان دانشجویان خارجی در حال تحصیل در کشورهای عضو این سازمان را به خود اختصاص داده‌اند. چین، کره، هند، ژاپن و یونان به ترتیب در صدر جدول تقاضا برای آموزش عالی در جهان قرار دارند. بر اساس برآوردهای این سازمان تا سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی می‌شود که رتبه نخست نسبت دانشجویان خارجی به ترتیب به چین، هند، مالزی، کره، ترکیه، مراکش، ویتنام و **ایران** اختصاص خواهد یابد (موسز[1]، ٢٠٠٤ به نقل از بازرگان و همکاران، ١٣٨٦). نتایج مطالعه بازرگان و همکاران (١٣٨٦) حاکی از آن است که در سال ١٣٨٦ حدود بیست و یک واحد آموزش عالی (دانشگاه/موسسه/مرکز) در ایران از طریق ۲۸ برنامه آموزشی/ درسی در مقاطع دکتری، کارشناسی ارشد و کارشناسی با آموزش عالی فراملی سروکار داشته‌اند. در این میان، بیش از ده کشور مبدأ (عرضه‌کننده) که دامنه جغرافیایی آن قاره‌های آسیا، اقیانوسیه، اروپا و امریکا را در برمی‌گرفته است، به عرضه آموزش عالی فراملی در ایران پرداخته‌اند. در این میان، دانشگاه‌های اروپایی، به‌ویژه انگلستان، بیشترین سهم را در عرضه آموزش عالی فراملی در ایران به خود اختصاص داده است.

در اقتصاد دانایی محور، اهمیت مهار دانش در همکاری‌های بین‌المللی برای دستیابی به مزیت رقابتی یک ضرورت اساسی است (دان، نی و کواکز، ۲۰۱۰) و دانش و صاحبان دانش (دانشگاه‌ها) از عوامل اصلی رشد و توسعه پایدار، خلق ارزش و رقابت به شمار می‌روند. در این میان، آموزش عالی فراملی به‌مثابه فرایند عرضه و تقاضا، دادوستد و به‌بیان‌دیگر انتقال

[1]. Moses

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

دانش در بازارهای جهانی مطرح می‌شود. ازاین‌رو، از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی انتظار می‌رود با بهره‌گیری از سازوکارهای مناسب مدیریت دانش، نقش مؤثرتری در انتقال دانش فراملی ایفا نماید. به‌زعم دان و همکاران (۲۰۱۰) انتقال دانش در سطح فراملی در مقایسه با سطح میان فردی، سازمانی و بین سازمانی با چالش‌های بسیار زیادی مواجه است؛ زیرا دانش بین‌المللی فراملی به‌شدت تحت‌الشعاع چالش‌های سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی میان فرهنگی قرار می‌گیرد. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر انتقال دانش در فرایند تعاملات و تبادلات بین دانشگاهی در سطح فراملی است. با این توضیح که نظر به اهمیت روزافزون دانش در رقابت جهانی و انتقال سریع و مؤثر دانش در بستر تعاملات و تبادلات پیچیده دانشگاه‌ها در سطح فراملی، شناسایی زمینه‌ها و عواملی که در هدایت جریان انتقال دانش نقش مؤثری ایفا می‌کنند، یک ضرورت اساسی است. هرچند کشور ایران عمدتاً به‌عنوان یک کشور مقصد (واردکننده) برای آموزش عالی فراملی قلمداد می‌شود، اما می‌توان آن را یک کشور مبدأ (صادرکننده) برای آموزش عالی فراملی نیز قلمداد کرد. تجربه دانشگاه شهید بهشتی در کشورهای خلیج‌فارس و دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور در برخی از کشورهای منطقه به‌ویژه برخی اقدامات دانشگاه فردوسی مشهد در گسترش زبان فارسی ناظر بر ورود دانشگاه‌های ایرانی به عرصه آموزش عالی فراملی و البته ضرورت توجه به مدیریت مؤثر این تعاملات در قالب انتقال دانش فراملی می‌باشد. ازآنجاکه زبان به‌عنوان یکی از ابزارهای انتقال هویت فرهنگی یک جامعه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند، ضرورت توجه به موضوع گسترش فرهنگ و هویت ایرانی به‌ویژه از طریق آموزش زبان فارسی به‌خوبی آشکار می‌شود. لذا، در این پژوهش دانشگاه فردوسی مشهد با نظر به نقش و جایگاه ویژه آن در توسعه و گسترش دانش زبان و ادب فارسی موردتوجه قرارگرفته است و با تکیه‌بر تجارب آن طی سال‌های اخیر، مهم‌ترین عوامل مؤثر در انتقال دانش زبان و ادب فارسی فراملی موردبررسی قرار گرفته است. درحالی‌که همه نوع انتقال دانش با محدودیت‌هایی روبرو هستند ولی چالش‌های انتقال دانش فرامرزی خیلی اساسی‌تر بوده و از شکاف‌های سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی میان فرهنگی ناشی شده است. به اشتراک‌گذاری دانش اغلب به‌عنوان از دست دادن قدرت دیده می‌شود و از طرفی دانش به‌عنوان یک نتیجه، باید منتقل شود. غالباً نگهداری و حفظ دانش نزد دارنده آن منجر به عدم کارایی می‌گردد. علاوه بر این، نظریه‌های محلی، فردی، درون

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

و یا بین سطوح سازمانی انتقال دانش، نمی‌توانند به‌طور مستقیم برای انتقال دانش جهانی استفاده شوند (دان و کوکس[1]، ۲۰۱۰).

در این پژوهش برای دستیابی به هدف، از بین مدل‌های نظری انتقال دانش در سطح بین‌الملل از مدل آلبینو (۱۹۹۸) استفاده شد که بر اساس آن عوامل کلیدی مؤثر بر انتقال دانش فراملی موردتوجه قرار گرفته است. در این پژوهش، مؤلفه‌های اصلی بر پایه چهار حوزه کلی بازیگران، زمینه، محتوا و رسانه از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

انتقال دانش فراملی و عوامل مؤثر بر آن

مفهوم انتقال دانش را می‌توان از زوایای مختلف موردنظر قرار داد. بسیاری از نویسندگان انتقال دانش را به‌عنوان یک فرایند و نه یک معامله[2] (تراکنش) مفهوم‌سازی کرده‌اند. این دیدگاه در بسیاری از تعاریف ارائه‌شده در ادبیات مدیریت دانش موردتوجه قرار گرفته است. به‌طور نمونه، آرگوت و اینگرم (۲۰۰۰) انتقال دانش را به‌عنوان فرایندی تعریف می‌کنند که از طریق آن یک واحد تحت تأثیر تجربه دیگری قرار می‌گیرد (گاراوی و داوز[3]، ۲۰۱۰). میشلز[4] (۲۰۱۱) مفهوم انتقال دانش را با استعاره‌های مختلف تک رشته‌ای، میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای چنین توصیف می‌کند؛ ۱) انتقال دانش به‌عنوان «انتقال دانش از مبنای دانشی یک متخصص به مشتری (کاملاً تک‌رشته‌ای[5])؛ ۲) انتقال دانش به‌عنوان «تبادل دانش بین بخش‌های مختلف به‌نحوی‌که درنهایت هر حوزه دانشی استقلال رشته‌ای خود را از دست نمی‌دهد (میان‌رشته‌ای[6])؛ و ۳) انتقال دانش به‌عنوان «مشارکت یا هم آفرینی که اعتبار مساوی منابع مختلف دانش را به رسمیت می‌شناسد و منتج به دانش جدید می‌شود (چند یا فرا رشته‌ای[7]).

در ادبیات آموزش عالی، انتقال دانش به‌عنوان یکی از کارکردهای اصلی دانشگاه‌های مدرن در اقتصاد دانایی محور به شمار می‌رود. در این مفهوم، انتقال دانش به‌مثابه فرایند انتقال دانش از دانشگاه به جامعه تعریف می‌شود. دانش آکادمیک از طریق آموزش و پژوهش و از طریق «وظیفه سوم[8]» فعالیت‌های دانشگاه صورت می‌گیرد. بنابراین، مأموریت سوم دانشگاه به انتقال

---

1. Duan & Coakes
2. transaction
3. Gharawi & Dawes
4. Michels
5. largely disciplinary-based
6. inter-disciplinary
7. multi or trans-disciplinary
8. third task

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

دانش چگونگی[1]، تخصص، مهارت‌ها و دانش‌های تولیدشده به جامعه در سطوح مختلف محلی، ملی و فراملی اشاره دارد. از منظر سیاست عمومی، این فرایند بر «رابطه علم–صنعت» دلالت می‌یابد. به‌زعم گاناسکارا[2] (۲۰۰۶) و چترتون و گودارد[3] (۲۰۰۰) دانشگاه‌ها در این زمینه دو نقش مولد و توسعه‌ای ایفا می‌کنند. در رویکرد مولد، بر رابطه سه‌گانه دانشگاه–صنعت–دولت تأکید می‌شود که در آن دانشگاه کارآفرین[4] نقش فعالی در ارتقای نوآوری و کارآفرینی ایفا می‌کند. در رویکرد توسعه‌ای نیز بر مشارکت دانشگاه و پاسخگویی به نیازهای منطقه‌ای تأکید می‌شود. لذا، در هر دو رویکرد، نقش دانشگاه در انتقال دانش مهم تلقی شده است (وندر هید، وند سایجد و ترلو[5]، ۲۰۰۷).

با توجه به‌مراتب فوق، فرایند انتقال دانش بین دانشگاهی در سطح ملی و فراملی به‌صورت ساخت‌یافته و ساخت نیافته، متضمن پرداختن به سه سازه اصلی نوع دانش، سازوکارهای انتقال دانش و پویایی‌های بین دانشگاهی است. دانش می‌تواند در قالب برنامه‌های درسی و مواد آموزشی، صورتی آشکار داشته باشد و یا در قالب مهارت‌های تدریس، شکل ضمنی به خود بگیرد. به‌هرحال، انتقال دانش ضمنی در مقایسه بادانش آشکار بسیار دشوار است. سازوکارهای انتقال دانش نیز منطبق با دو نوع دانش آشکار و دانش ضمنی متفاوت خواهند بود. سازوکارهای نرم بر ارتباط چهره به چهره برای انتقال دانش ضمنی تکیه دارد، درحالی‌که سازوکارهای سخت از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای انتقال دانش آشکار بهره می‌گیرد (ساترنو، هارتنتو و پیلای[6]، ۲۰۱۲). به‌طور نمونه، لیزنا، پیلای و هیتندرا[7] (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای به بررسی گره‌های اجتماعی به‌عنوان عامل کلیدی انتقال دانش بین دو دانشگاه استرالیایی و اندونزی‌ای پرداختند. با تأکید بر اینکه برنامه‌های فراملی می‌تواند انتقال دانش بین دانشگاه‌های شریک را تسهیل کند. این مطالعه بر اهمیت روابط اجتماعی مبتنی بر اعتماد بین اعضای هیئت‌علمی دو دانشگاه در ایجاد پویایی‌های مثبت بین دانشگاهی تأکید می‌کند که برای انتقال دانش حیاتی است. روابط اجتماعی می‌تواند به کاهش تصور ریسک و افزایش پتانسیل انتقال

[1]. know how
[2] .Gunasekara
[3] .Chatterton and Goddard
[4] .entrepreneurialuniversity
[5]. van der Heide, van der Sijde & Terlouw
[6]. Sutrisno, Hartanto, & Pillay
[7]. Lisana & Pillay, Hitendra

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

دانش از طریق فرایند انتقال دانش ساخت نیافته کمک کند و اعتماد بین شرکا روابط قدرت نابرابر بین دو دانشگاه را تعدیل می‌کند.

در یک استراتژی فراملی، پویایی‌های بین دانشگاهی می‌تواند زمینه خلق سرمایه اجتماعی و فرصت‌های یادگیری را فراهم سازد. در این خصوص، نتایج حاصل از مطالعه مایزینگ، کریجر و سلاو[1] **(۲۰۰۷)** در بررسی انتقال دانش در مؤسسات سرمایه گذار خارجی در چین که ازنظر جغرافیایی یک سازمان فراملی را تشکیل می‌دهند نشان دادند که خلق سرمایه فکری و اجتماعی مستلزم تقابل دیدگاه‌های متنوع، میزان بالای اعتماد، ایجاد روابط میان فردی محکم‌تر، توسعه شبکه‌های فعال، پذیرش یادگیری و هنجارهای مشترک متقابل می‌باشد.

مدل‌های انتقال دانش و معرفی الگوی مفهومی پژوهش

امروزه تعداد قابل‌توجهی مقاله برای توسعه مدل‌های انتقال دانش و نشان دادن چارچوب فرایند انتقال دانش، بازیگران اصلی، کانال‌های انتقال و عوامل مؤثر مثل، دانش در سطح فردی، در سطح درون‌سازمانی و بین سازمانی، و در سطح بین‌المللی انجام شده است (**دان و کوکس، ۲۰۱۰**). کامینگز (۲۰۰۳) انتقال دانش را از دو رویکرد تئوری یادگیری سازمانی و تئوری ارتباطات موردنظر قرار می‌دهد. در تئوری ارتباطات به مدل SMCR منتسب به برلو[2] (۱۹۶۰) استناد می‌شود. بر اساس این مدل، مؤلفه‌های اصلی ارتباط عبارت‌اند از منبع، پیام، رسانه و گیرنده. کامینگز (۲۰۰۳) در بررسی مطالعات صورت گرفته پیرامون اشتراک دانش به این نتیجه رسید که پنج زمینه در اشتراک دانش مؤثرند: ۱) رابطه بین منبع و گیرنده؛ ۲) نوع و مکان دانش؛ ۳) گرایش گیرنده به یادگیری؛ ٤) توانایی منبع در اشتراک دانش و ۵) محیطی که فعالیت‌های اشتراک دانش در آن روی می‌دهد (جِکرامِدجا و مارتینی، ۲۰۱۱). در تئوری ارتباطات چنین استدلال می‌شود که برای اینکه در سازمان یادگیری اتفاق بیفتد، دانش باید به‌طور مؤثری مبادله و به اشتراک گذاشته شود. از منظر این تئوری، دانش از طریق ارتباطات از منبع به گیرنده منتقل می‌شود. بر اساس تئوری سازمان نیز، دانش «یک منبع حیاتی مزیت رقابتی» است و مادامی‌که به‌طور مؤثر یکپارچه شود، می‌تواند سرانجام برای سازمان ارزش‌آفرینی و ارزش‌افزوده ایجاد کند. این دیدگاه به‌عنوان دیدگاه مبتنی بر دانش شناخته شده است (جین و همکاران، ۲۰۰۷).

[1]. Miesing, Kriger & Slough

۲ .Berlo

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

در این پژوهش، از بین مدل‌های فردی، درون‌سازمانی و بین سازمانی و بین‌المللی انتقال دانش با توجه به هدف پژوهش به مدل بین‌المللی پرداخته‌شده است. تحقیقات در این زمینه محدود به شرکت‌های چندملیتی و مشارکت‌های بین‌المللی محدود بوده است. اشلیجلملچ و چینی[1] در ارائه چهارچوب مفهومی برای تجارت اثربخش تأثیر عوامل فاصله سازمانی، فاصله فرهنگی، دستور استراتژیک و در توانایی پرداختن به انتقال دانش را نشان داده است. کامینگز و تنگ [2] انتقال دانش درون و برون‌سازمانی را ادغام کرده‌اند. مدل طرح‌شده توسط میسینگ[3] و همکاران نشان داد که انتقال دانش درون‌سازمانی مؤثر در همه ملل نیاز به ایجاد سرمایه اجتماعی بین اعضا و یک استراتژی فراملی جمعی دارد. این مدل‌ها دیدگاه پویایی از انتقال دانش را ارائه می‌کنند و دلیل ارتباط بین انتقال موفق و عوامل اثرگذار را به تصویر می‌کشند (به نقل از دان و کوکس، ۲۰۱۰).

آلبینو[4] (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای با مروری بر عوامل مؤثر بر انتقال دانش، مهم‌ترین عناصری که فرایند انتقال دانش را در روابط بین‌المللی تشکیل می‌دهند، معرفی می‌کند. این عناصر در چهار حوزه کلی عبارت‌اند از: بازیگران[5]، محتوا[6]، زمینه[7] و رسانه[8]. بر اساس این چهارچوب، بازیگران کسانی که در فرایند انتقال دانش درگیر می‌شوند و همیشه در مرکز این فرایند قرار دارند. سه بازیگر اصلی شامل فرستنده، گیرنده و میانجی می‌باشند. برای بررسی این مورد زیرمولفه های میزان باز بودن، اعتماد و صداقت، انگیزه، قابلیت جذب و شایستگی در نظر گرفته شده است. زمینه به بستر و فضایی اشاره دارد که در آن تعامل صورت می‌گیرد. انتقال دانش وابسته به زمینه است. زیرمولفه های موردبررسی در این عامل عبارت‌اند از: تفاوت‌های فرهنگی، روابط، سرمایه اجتماعی، فاصله فیزیکی و زیر ساختارهای سازمانی. محتوا نیز ناظر بر آن چیزی است که بین دو طرف منتقل می‌شود و ماهیت دانش منتقل‌شده را شکل می‌دهد. عامل چهارم، رسانه است که از طریق آن انتقال دانش صورت می‌گیرد. زیر مؤلفه‌های موردنظر در این عامل مشتمل بر زبان و ترجمه، کانال‌های ارتباطی، کانال انتقال و استفاده از فناوری

1. Schlegelmilch & Chini
2. Cummings & Teng
3. Miesing
4. Albino
5. actors
6. content
7. context
8. media

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

اطلاعات و ارتباطات می‌باشند. دان و کوکس (۲۰۱۰) نیز در مطالعه دیگری با تکیه‌بر چهارچوب آلبینو (۱۹۹۸) به شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر انتقال دانش فراملی پرداختند. در این پژوهش، مؤلفه‌های اصلی بر پایه چهار حوزه کلی بازیگران، زمینه، محتوا و رسانه از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف موردبررسی و تأیید قرار گرفت.

با نظر به بحث‌های فوق، انتقال دانش در بستر همکاری‌های دانشگاهی بین‌المللی ماهیتی فراملی پیدا می‌کند که در این پژوهش در قالب اصطلاح «دانش فراملی[1]» مفهوم‌سازی می‌شود. از این منظر، انتقال دانش فراملی به دو شکل ۱) همکاری دو یا چند موسسه به‌صورت اعطای امتیاز، برنامه مشترک و صدور گواهینامه‌های مشترک که بر اساس آن برخی برنامه‌ها یا واحدهای درسی، یا سایر خدمات موسسه امتیاز دهنده از طریق موسسه دیگری عرضه می‌شود و ۲) عرضه مستقل و بدون همکاری نظیر ایجاد شعبه، تأسیس مؤسسات خارجی و یا مؤسسات بین‌المللی که بر اساس آن برنامه تحصیل یا بخشی از واحدهای درسی یا سایر خدمات مستقیماً به‌وسیله یک موسسه امتیاز دهنده عرضه می‌شود، صورت می‌گیرد (نظام‌نامه عملکرد خوب، مصوبه لیسبون، ۲۰۰۱). علاوه بر این، به‌موازات رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات و روند در حال رشد بین‌المللی آموزش عالی، آموزش فراملی در سراسر جهان به اشکال و شیوه‌های مختلف دیگری عرضه می‌شوند. اولین شکل آموزش فراملی، اعطای امتیاز[2] است که بر اساس آن موسسه آموزش عالی (امتیاز دهنده) از یک کشور خاص به موسسه‌ای (امتیاز گیرنده) در کشور دیگر اجازه فعالیت در حوزه آموزش عالی در آن کشور را می‌دهد. دومین شکل آموزش فراملی، شعبه دانشگاهی[3] است. شعبات دانشگاهی به این واقعیت اشاره دارند که یک دانشگاه با تأسیس شعبه‌ای در یک کشور دیگر به عرضه برنامه‌های آموزشی و صدور گواهینامه تحصیلی بااعتبار خود اقدام می‌کند. شعبات دانشگاهی، متداول‌ترین نوع آموزش عالی فراملی در غالب کشورهای درحال‌توسعه و کشورهای اروپای شرقی است. سومین شکل آموزش فراملی به سازوکارهای میان موسسه‌ای اشاره دارد که بر اساس آن دو یا چند موسسه در مورد برنامه‌ها و یا مطالعات مشترک[4] توافق حاصل می‌کنند. مؤسسات

[1]. transnational knowledge
[2]. Franchising
[3]. Branch campus
[4]. Programme articulation

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

بین‌المللی[1] در چهارمین شکل آموزش عالی فراملی به برنامه‌های بین‌المللی اشاره دارد که بخشی از سیستم آموزشی ملی محسوب نمی‌شوند. این نوع مؤسسات ممکن است در چندین کشور شعبه داشته باشند. نوع دیگری از آموزش فراملی به‌صورت مستقل[2] در کشور میزبان تأسیس‌شده‌اند و درعین‌حال به سیستم آموزشی ملی کشور مبدأ تعلق ندارد. لذا، بندرت توسط کشور میزبان به رسمیت شناخته می‌شوند. به‌طور نمونه، دانشگاه لاتوین بدون اینکه در خود لاتوین شعبه‌ای داشته باشد، در اسرائیل شعبه دارد (ویگنولی، ۲۰۰٤).

شواهد موجود در خصوص انتقال دانش زبان و ادب فارسی در بیرون از مرزهای ایران حاکی از آن است که کوشش‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و به‌طور ویژه دفتر گسترش زبان و ادبیات فارسی تنها در شکل سوم انتقال دانش فراملی یعنی توافق بین دانشگاهی در ارائه برنامه‌ها و مطالعات مشترک[3] خلاصه می‌شود. به‌طور نمونه، دفتر گسترش زبان و ادبیات فارسی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری عهده‌دار اعزام مدرس زبان و ادبیات فارسی به کشورهای مختلف جهان با هدف گسترش و تقویت آموزش ادبیات فارسی در کشورهای بیگانه می‌باشد. نمونه بارز فعالیت این دفتر در کشورهای خارجی، ایجاد و راه‌اندازی کرسی‌های زبان فارسی است که گستره وسیعی از کشورهای جهان از آسیا گرفته تا اروپا، آفریقا و آمریکا را در برمی‌گیرد. دیگر اقدام چشمگیر نظام‌مند در این زمینه، تعامل با استادان فارسی و ایران‌شناس برون‌مرزی از کشورهای هند، پاکستان، افغانستان، ترکیه، مصر، سوریه، لبنان، سودان، ژاپن، سویس، تانزانیا، اوگاندا، امریکا، لهستان، چکسلواکی، انگلستان، کانادا، نیجریه، یوگسلاوی، استرالیا، ایتالیا، فرانسه، عراق، شوروی، هلند به‌صورت عضویت در انجمن زبان و ادب فارسی ایران[4] است. فعالیت‌های این انجمن محدود به نظارت بر تحقیقات آنان، پاسخگوی به نیازهای علمی و تبادل آراء و اندیشه و نیز کتاب و مواد علمی با این استادان می‌شود. مرور تجربیات استادان کرسی دار در کشورهای خارجی به‌ویژه کشورهایی که تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و تاریخی با ایران دارند، حاکی از وضع نابسامان کرسی‌ها در این کشورهاست (رحیمیان، ۱۳۸٦).

---

[1]. International Institutions
[2]. Off-shore Institution
[3]. Programme articulation
[4]. http://www.ispl.ir/

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

با نظر به‌مراتب فوق، پرداختن به عواملی که انتقال دانش زبان و ادب فارسی را در بیرون از مرزهای ایران به هدف‌های اصلی آن‌که همانا ترویج و توسعه هویت ملی و فرهنگ ایرانی نزدیک می‌سازد، اهمیتی فراوان می‌یابد. بنابراین، در این پژوهش با تکیه‌بر چهارعنصر شناخته‌شده مدل انتقال دانش (بازیگران، زمینه، محتوا و رسانه) عوامل کلیدی مؤثر بر فرایند انتقال دانش زبان و ادب فارسی موردبررسی قرار گرفت که در ادامه با نظر به تجربه دانشگاه فردوسی مشهد شرح داده می‌شود. شرح مؤلفه‌های فرایند انتقال دانش و عوامل مؤثر بر آن به‌طور خلاصه در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱: مؤلفه‌های فرایند انتقال دانش و عوامل مؤثر بر آن (دان و همکاران، ۲۰۱۰)

مؤلفه‌ها	معرفی	عامل‌ها
بازیگران	کسانی که در فرایند انتقال دانش درگیر می‌شوند و همیشه در مرکز این فرایند قرار دارند. سه بازیگر اصلی عبارت‌اند از: همیشه فرستنده، گیرنده و میانجی	میزان باز بودن، اعتماد و صداقت، انگیزه، قابلیت جذب و شایستگی برای انتقال دانش
محتوا	آنچه که بین دو طرف منتقل می‌شود.	ماهیت و نوع دانش
زمینه	جایی که تعامل در آن صورت می‌گیرد.	تفاوت‌های فرهنگی، روابط، سرمایه اجتماعی، فاصله فیزیکی و زیرساختارهای سازمانی
رسانه	وسیله‌ای که انتقال از طریق آن انجام می‌شود.	زبان، کانال‌های ارتباطی، فناوری اطلاعات و ارتباطات

روش

در این پژوهش از روش پژوهش کیفی و از نوع مطالعه موردی بهره گرفته شد. دانشگاه فردوسی مشهد با نظر به نقش و جایگاه ویژه آن در توسعه و گسترش دانش زبان و ادب فارسی موردتوجه قرار گرفته است و با تکیه‌بر تجارب آن طی سال‌های اخیر، مهم‌ترین عوامل مؤثر در انتقال دانش زبان و ادب فارسی فراملی موردبررسی قرار گرفته است. پدیده موردمطالعه، انتقال دانش زبان و ادب فارسی در سطح برون‌مرزی است. واحد تحلیل را دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل می‌دهد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

جامعه آماری پژوهش شامل مطلعان کلیدی (مدیران و کارشناسان دفتر همکاری‌های بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد و استادان گروه زبان و ادب فارسی و فعال در قطب علمی گروه زبان و ادبیات فارسی و مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان) که مشتمل بر ١٤ نفر بودند و تجربه همکاری‌های بین‌المللی را در خصوص آموزش زبان فارسی داشتند، بود. انتخاب نمونه با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. انتخاب نمونه تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت که تعداد ٥ نفر شد. گردآوری داده‌های موردنیاز از طریق مصاحبه صورت گرفت. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان، حضور فعال در کشورهایی نظیر ژاپن، انگلستان، اکراین، استرالیا، لبنان، سوریه، پاکستان، هند، لهستان و ازبکستان درراه اندازی کرسی زبان فارسی و مرکز آموزش زبان و ادب فارسی به غیرفارسی‌زبانان می‌باشد.

داده‌های حاصل از مصاحبه پس از کدگذاری باز و محوری با استفاده از تحلیل تفسیری موردبررسی قرار گرفت. همچنین برای بررسی روایی و اطمینان از کفایت طبقه‌های شکل داده شده برای کدگذاری از روایی به شیوه داوری تخصصی[1] بهره‌گیری شد. همچنین، اعتباربخشی به شیوه کفایت اجماعی و از طریق ارائه نتایج اولیه در جمعی تخصصی از افراد مرتبط تضمین گردید. جدول (٢) نشان‌دهنده اطلاعات جمعیت شناختی اعضای نمونه است.

جدول ٢: جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

کد	تحصیلات	مرتبه علمی	کشورهایی که تجربه آموزش داشته‌اند
١	دکتری زبان و ادبیات فارسی	استاد	ژاپن و انگلیس
٢	دکتری زبان و ادبیات فارسی	استادیار	لبنان و پاکستان
٣	دکتری زبان و ادبیات فارسی	استاد	سوریه و هند
٤	دکتری زبان و ادبیات فارسی	استاد	اکراین و استرالیا
٥	دکتری زبان و ادبیات فارسی	دانشیار	لهستان و ازبکستان و هند

یافته‌ها

در این بخش، نتایج حاصل از مصاحبه‌های صورت گرفته با نظر به توصیف وضعیت زبان و ادب فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد؛ تحلیل وضعیت فرایند انتقال دانش زبان و ادب فارسی بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه بازیگران، زمینه، محتوا و رسانه و درنهایت معرفی

[1] Professional Judgment

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

سوق‌دهنده‌ها و بازدارنده‌های انتقال دانش در بستر همکاری‌های دانشگاهی بین‌المللی موردبحث قرار می‌گیرد.

۱- ساختار همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه فردوسی مشهد درزمینه ی گسترش زبان و ادب فارسی

برنامه‌های آموزش برون‌مرزی زبان و ادب فارسی در سطح دانشگاه فردوسی مشهد در حال حاضر در قالب فعالیت‌های قطب علمی «فردوسی شناسی و ادبیات خراسان[1]»، ایجاد کرسی‌های زبان فارسی در کشورهای دیگر، راه‌اندازی مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان قابل‌عرضه در سطح بین‌المللی است. راه‌اندازی شعبه دانشگاهی در شهر تاشکند ازبکستان برای مدت دو سال (۸۲-۱۳۸۰) سازوکار دیگری است که دانشگاه فردوسی مشهد تجربه کرد. در این میان، متداول‌ترین شکل عرضه دانش زبان و ادب فارسی ایجاد کرسی‌های زبان فارسی است که در قالب موافقت‌نامه‌های مشترک میان دو کشور و نیز سایر برنامه‌ها و مطالعات مشترک بین دانشگاهی از قبیل تبادل دانشجو و استاد، هدایت پایان‌نامه‌های دانشجویی، بازدیدهای علمی و غیره صورت می‌گیرد.

اغلب برنامه‌ها و مطالعات مشترک با نظر به امکانات و پتانسیل‌های دانشگاه فردوسی مشهد به‌ویژه قابلیت‌های اساسی قطب علمی زبان فارسی صورت می‌گیرد. چنانکه، دانشگاه فردوسی مشهد در رشته زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان قطب علمی کشور شناخته شده است. این قطب گرایش را برای زمینه پژوهشی خود انتخاب کرده و به‌موازات اجرای پژوهش‌های عام در پهنه ادبیات خراسان، در مرحله نخست تأکید ویژه خود را بر فردوسی و شاهنامه گذاشته است، زیرا بر این باور است که فردوسی نه‌تنها ستون اصلی زبان فارسی بلکه محور تمامیت فرهنگی ایران نیز هست. برنامه‌ها و فعالیت‌های این قطب علمی علاوه بر بزرگداشت‌ها و تحقیقات و پژوهش‌هایی در زمینه فردوسی و بزرگان و ادیبان فرهنگ و ادب فارسی، در حوزه ارتباطات بین‌المللی شامل حوزه‌های گسترش زبان فارسی و آموزش زبان فارسی به خارجیان می‌شود. علاوه بر ایجاد قطب علمی، از دیگر اقدامات مهم در دانشگاه فردوسی مشهد در خصوص عرضه خدمات آموزش عالی فراملی زبان فارسی می‌توان به ایجاد کرسی‌های زبان فارسی در کشورهای لبنان، سوریه، لهستان، ازبکستان، افغانستان، اکراین، استرالیا، یوگسلاوی، ژاپن،

[1]. http://farsidept.um.ac.ir/index.php?module=htmlpages&func=display&pid=11

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

انگلیس، برگزاری دوره‌های بازآموزی اساتید خارجی و ایجاد مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان اشاره کرد.

۲- وضعیت فرایند انتقال دانش زبان و ادب فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد

در این پژوهش، بررسی وضعیت فرایند انتقال دانش زبان و ادب فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد با نظر به چهار مؤلفه اصلی بازیگران، محتوا، زمینه و رسانه و عامل‌های مربوط به هر یک از آن‌ها صورت گرفته است. نتایج حاصل بررسی مؤلفه‌ها و عوامل مربوط به آن به‌طور خلاصه در جدول (۳) نشان داده شده است.

۲-۱. بازیگران:

بنا بر تحلیل نتایج به‌دست‌آمده، بازیگران اصلی انتقال دانش زبان و ادب فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد در نقش عرضه‌کننده خدمات آموزش عالی فراملی در کشور مبدأ یعنی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد عبارت‌اند از: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (کد ۱، ۳، ٤، ۵)[۱]، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (کد ۱، ۳، ٤، ۵)، رایزنی فرهنگی ایران در بیروت (کد ۳)، رایزنی فرهنگی ایران در سوریه (کد ٤)، سفارتخانه‌های ایران در کشورهای دیگر و بنیاد سعدی (کد ٤). همچنین، از دیگر بازیگران اصلی فرایند انتقال دانش در مقام گیرنده و متقاضی دانش زبان و ادب فارسی می‌توان به کشورهای لبنان، سوریه، لهستان، ازبکستان، افغانستان، اکراین، استرالیا، یوگسلاوی، ژاپن، انگلیس (کد ۲، ۳، ٤، ۵) به‌عنوان کشور مقصد اشاره کرد.

۲-۱-۱. باز بودن روابط طرفین: شواهد به‌دست‌آمده حاکی از روابط صمیمانه و دوستانه میان دانشگاه مبدأ و دانشگاه‌های مقصد[۲] می‌باشد. به‌طور نمونه، تجربه کد (۲) در ژاپن، کد (۳) در لبنان، کد (٤) در سوریه و کد (۵) در ازبکستان، هند و پاکستان گواهی بر این ادعا است: "... طبیعتاً سوءتفاهم و اختلاف‌نظر همیشه وجود دارد ولی این اختلافات به‌صورت مذاکره و گفتگو حل می‌شد. به‌طورکلی، لبنانی‌ها استقبال و پذیرش خوبی دارند و فرهیخته هستند" (کد ۳)... سوریه چون ازلحاظ سیاسی روابط دوستانه و نزدیکی با ما داشتند و همچنین بنیاد

---

[۱]. این اعداد ناظر بر مشخصات مرجع شواهد مستخرج از مصاحبه‌های موردبررسی است و به نام افراد مصاحبه‌شونده اشاره دارد (جدول ۲) که به دلیل رعایت حقوق فردی از ذکر نام افراد پرهیز شده است.

[۲]. دانشگاه مبدأ به‌عنوان عرضه‌کننده و دانشگاه مقصد به‌عنوان دریافت‌کننده خدمات آموزش عالی فراملی اطلاق می‌شود. در اینجا، دانشگاه فردوسی مشهد به‌عنوان دانشگاه مبدأ در عرضه دانش زبان و ادب فارسی و دانشگاه‌های مقصد به دانشگاه‌های کشورهای لبنان، سوریه، لهستان، ازبکستان، افغانستان، اکراین، استرالیا، یوگسلاوی، ژاپن، انگلیس موردنظر می‌باشند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

گسترش زبان فارسی سرمایه‌گذاری زیادی در سوریه کرده بود روابط بسیار خوب بود و هر چیزی که ما لازم داشتیم برای ما فراهم بود. تقریباً هیچ مشکلی از طرف آن‌ها نداشتیم در هند هم به همین منوال در آن زمان که ما بودیم چون روابط سیاسی خوب بود میزان باز بودن و پذیرش و کلاً هر روابطی خوب بود چون اصل روابط سیاسی بود که در آن زمان مثبت بود.» (کد ٤)... «به‌هرحال هر کشوری و قومی و نژادی یک ویژگی‌هایی داره دیگر در ازبکستان یا هند و پاکستان فضا تقریباً صمیمانه بود به خاطر احساس نزدیکی‌های زیادی که می‌کردند. در بعضی موارد خاص ممکنه اختلاف‌نظر باشه ولی چون محیط یا سنت‌ها یا باورها مشابه بود خوب ارتباط هم برقرار می‌شد»(کد ۵).

۲-۱-۲. انگیزه: با توجه به تعدد بازیگران در فرایند انتقال دانش زبان فارسی، عرضه این نوع خدمات در سطح برون‌مرزی غالباً دو انگیزه متفاوت را دنبال می‌کند. نخست، انگیزه اشاعه و ترویج فرهنگ ایرانی و گسترش و حفظ زبان ملی به‌منظور بهبود ارتباطات بین‌المللی، شناسایی فرهنگ غنی و تمدن ایرانی به دنیا از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دومین انگیزه، انتقال عقاید و باورهای دینی و مذهبی و انتقال پیام جمهوری اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی به کشورهای دنیا می‌باشد که موجب ورود سازمان ارتباطات اسلامی به این حوزه و نقش‌آفرینی آن شده است. به‌طور نمونه، چنانکه برخی مصاحبه‌شوندگان دراین‌باره اشاره می‌کنند که: «وزارت علوم روی این مطلب خیلی تأکید دارد و به فرهنگ اهمیت می‌دهد ولی سازمان ارتباطات اسلامی بیشتر مسائل مذهبی و عقیدتی را اهمیت می‌دهد و بیشتر دوست دارد که مطالب مذهبی را ما منتقل کنیم. انگیزه فرهنگی و هویت ملی و تقویتان از طریق زبان فارسی است»(کد ٤)...«انگیزه انجام این کار در نظام جمهوری اسلامی هر حکومت و نهادی به دنبال جذب فرهنگ‌ها و مردم کشورهای دیگر است ایران با زبان فارسی می‌تواند پیام انقلاب اسلامی را منتقل نماید و آنان را از آبشخورهای اندیشه‌های امام سیراب کند. این کاملاً استراتژیک است و این تأکید رهبری و دیگر سران است که گسترش زبان در دیگر کشورها خصوصاً لبنان که حمایت خوبی هم از ما دارند» (کد ۳)... «ازنظر ما اشاعه و ترویج فرهنگ و گسترش زبان ملی ارتباطات جهانی و معرفی فرهنگ به جهان از طریق زبان است و نشان دادن جایگاه تمدن و فرهنگ خودمان» (کد ۲).

۲-۱-۳. شایستگی: یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی بازیگران برای ارائه خدمات آموزش عالی فراملی مناسب، برخورداری از شایستگی‌های لازم ازجمله میزان جذب دانشجویان می‌باشد. در

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

این خصوص، اکثر استادان شایستگی‌هایی ضروری برای انتقال زبان فارسی را انگیزه یادگیرنده برای یادگیری، آشنایی آن‌ها با فرهنگ ایرانی که محرک یادگیری آن‌ها شود و همچنین تلاش و پشتکار دانشجویان برای یادگیری زبان دوم همچنین، آشنایی با فرهنگ ایرانی، فرهنگ دینی مشترک و زبان مشترک می‌دانستند. در اکثر تجارب ذکرشده از کشورها این شایستگی‌ها وجود داشته است، گرچه یکی از اساتید اذعان داشت که اگر هم نبود باید برای به وجود آمدن آن‌ها تلاش کرد. به‌طور نمونه، برخی استادان چنین بیان داشتند که "... در ژاپن کارگران ایرانی زیادی برای منافع اقتصادی به ژاپن می‌رفتند و همین باعث توجه آن‌ها به زبان و فرهنگ ایرانی‌ها شده بود و ولیعهد ژاپن ایران‌شناس بود و به زبان فارسی علاقه‌مند بود. (کد ۲)... "لبنانی‌ها چون از اول دبستان زبان دوم یاد می‌گیرند ... و در یادگیری زبان نسبت به دیگر عرب‌زبانان مشتاق‌تر هستند و موفق‌تر هستند و در بخش شیعیان لبنان بیش از ما مجذوب اندیشه امام بوده و این را فرض بر خود می‌دانند که برای آشنایی با اندیشه‌های امام تلاش می‌کنند"(کد ۳)..." ... و تسلطشان به زبان خیلی خوب بود چون اساتید لهستانی داشتند که قبلاً در ایران درس‌خوانده بودند با همون شیوهای قدیمی و خیلی جدی درواقع دستور فارسی و بخش‌هایی که در ارتباط با مکالمه فارسی و محاوره فارسی آموخته بودند." (کد ۵)... "قدرت جذب دانشجویان به دلیل اینکه عرب‌زبان بودند از خیلی جهات خوب بود چون خط و آواشناسی ما مشترک است." (کد ۳)..." میزان جذب دانشجویان سوری به این دلیل که در سال‌های سوم و یا چهارم هستند و از قبل هم اساتید خودشان تا حدودی به زبان فارسی با آن‌ها کار کرده‌اند لذا جذب خوبی دارند. " (کد ٤).

۲-۲. محتوا:

محتوای انتقال دانش زبان و ادب فارسی به چهار طریق ایجاد دوره‌های آموزشی، گروه‌های آموزشی در مقاطع مختلف، ایجاد کرسی‌های زبان فارسی و دوره‌های بازآموزی قابل‌ملاحظه است. این محتوا عموماً به‌صورت ایجاد کرسی زبان فارسی و برگزاری دوره‌های بازآموزی برای استادان و دانشجویان خارجی توسط دانشگاه فردوسی مشهد بوده است. شایان‌ذکر است که تجربه تأسیس دوره آموزش زبان فارسی در سال ۸۲-۱۳۸۰ در ازبکستان به‌صورت ناموفق و اخیراً در لبنان حاصل‌شده است. عمومی‌ترین شکل انتقال محتوای دانش زبان فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد به‌صورت ایجاد کرسی زبان فارسی در کشورهایی نظیر ژاپن و انگلستان (کد ۲)؛ لبنان (کد ۳)؛ سوریه (کد ٤) و ازبکستان و لهستان (کد ۵) و به شکل

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

دوره‌های بازآموزی برای آموزش اساتید کشورهای هند (کد ٤، ٥) و پاکستان (کد ٤) بوده است. در این خصوص یکی از دست‌اندرکاران اصلی راه‌اندازی این دوره چنین اظهار می‌دارد که «در لبنان علاوه بر کرسی زبان فارسی دانشگاه فردوسی مشهد به کوشش سفارت ایران و رایزنی فرهنگی ایران در لبنان موفق به تأسیس رشته زبان و ادبیات فارسی در مقطع لیسانس شده است... این کار مهمی بود از این حیث که در دانشگاه لبنان با قدمت ۷۰ ساله‌اش زبان فارسی را نداشتند. با همکاری سفارت و رایزنی، با برنامه درسی که من تألیف کردم و با اساتید لبنانی از سال ۱۳۹۰ عملاً کرسی تأسیس شد و اکنون لیسانس زبان فارسی در لبنان به نام دانشگاه فردوسی مشهد است" (کد ۳).

۲-۳. زمینه:

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کلیدی و مؤثر در فرایند انتقال دانش به‌ویژه دانش زبان و ادب فارسی، زمینه است که ناظر بر تفاوت‌های فرهنگی، روابط، سرمایه اجتماعی، فاصله فیزیکی و زیرساختارهای سازمانی می‌باشد.

۲-۳-۱. تفاوت‌های فرهنگی: با نظر به یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان کشورهای مقصد را از لحاظ فرهنگی در دودسته قرار داد: یک گروه کشورهایی که همسایه ایران هستند و یا حتی درگذشته جزئی از ایران بوده‌اند و گروه دیگر کشورهای غیر همسایه و دور می‌باشند. کشورهای دسته اول به لحاظ فرهنگی بسیار نزدیک به کشور ما بوده و در انتقال دانش و آموزش زبان ازلحاظ فرهنگی مشکلی ندارند و حتی این تشابهات فرهنگی باعث انتقال سریع‌تر و بهتر دانش می‌شود. به‌طور نمونه، برخی شواهد حاکی از آن است که "در لبنان تشابهات بیشتر از تفاوت‌هاست. روابط خوبی داریم و در برخورد اول مثل ما و حتی بهتر از ما برخورد می‌کردند. تشابه مذهب نیز کمک بیشتری می‌کرد" (کد ۳)..."ازلحاظ فرهنگی سوریه و پاکستان هیچ مشکلی با ما نداشتند. چون ازنظر فرهنگی به فضای ایران بسیار نزدیک بودند و روابط بسیار دوستانه و باز بود و ما از این منظر مشکلی نداشتیم"(کد ٤).

اما دسته دوم کشورهایی که تفاوت فرهنگی زیادی با ما دارند و همسایه هم نیستند. این تفاوت فرهنگی در انتقال دانش و درک زبان و مفهوم کنایه‌ها و ایهام و تمثال‌های زبان فارسی بسیار مشکل ایجاد می‌کند. عدم تشابه فرهنگی مانع بزرگی برای درک درست این مفاهیم در زبان فارسی می‌شود. همچنین از طرف دیگر این تفاوت فرهنگی باعث برخی مسائل سیاسی نیز شده است که باعث بیشتر شدن موانع ارتباطی و انتقال دانش می‌شود. به‌طور نمونه، برخی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

استادان در تأیید این ادعا خاطرنشان کردند که "تفاوت فرهنگی ما با انگلیس به دلیل زیاد بودن، مشکل ایجاد می‌کرد. آن‌ها به این زبان به‌عنوان زبان خارجی نگاه می‌کردند و این ارتباط روزبه‌روز بدتر می‌شد. یک مشکل دیگر هم حضور دانشجویان آن‌ها در کشور مبدأ است. آن‌ها هر زبانی که داشتند بعد از دو سال دانشجویان را به کشور مبدأ می‌فرستادند تا در محیط زبان را بیاموزند چون یک اصل هست که زبان فقط در محیط است که نهادینه می‌شود و چون مشکلات سیاسی اجازه ورود دانشجویان خارجی به ایران را نمی‌داد و از طرفی آن‌ها هم اعتماد نمی‌کردند که به ایران بیایند لذا روزبه‌روز بی‌توجهی به این زبان در آن کشورها بیشتر و بیشتر می‌شد"(کد ۲)..."مهم‌تر از بحث فرهنگی بحث‌های سیاسی است که درواقع ناخواسته مسائل فرهنگی را تحت‌الشعاع قرار میده مثلاً استادان کشورهای دیگر به ارتباط با ما علاقه دارند ولی ملاحظات سیاسی مانع از این ارتباط شده است" (کد ۵).

۲-۳-۲. سرمایه اجتماعی: این عامل بر تعاملات علمی مثبت بین دو کشور و درنتیجه آن، رشد و گسترش ارتباطات بین اساتید و دانشجویان، اشتراک دانش و رشد دانش دلالت دارد. این روابط که به‌نوعی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، توان کشورها را در دستیابی به علم روز و جلوگیری از تکرار آزمایش‌های علمی هزینه‌بر و وقت‌گیر، بالا می‌برد. تأسیس مرکز علمی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در دانشگاه فردوسی مشهد نمود واقعی کوشش این دانشگاه برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در سطح روابط بین‌المللی قلمداد می‌شود. به‌طور نمونه، یکی از مصاحبه‌شوندگان در تبیین این عامل چنین اشاره داشت که "سرمایه اجتماعی با الگوی زبان فارسی در دنیا موفق بود. این امر باعث شده تا ارتباط با کشورها بیشتر شود. حتی مراکزی برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان ایجادشده که اولین آن دانشگاه قزوین و دومین آن مرکز دهخدا و سومین مرکز دانشگاه فردوسی است که دانشجویان از همه جای دنیا به این مراکز مراجعه کرده‌اند"(کد ۳).

۲-۳-۳. زیرساخت‌ها: یکی از مؤلفه‌های زمینه در مدل مفهومی موردنظر است که به دو بخش زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم می‌شود. بخش سخت‌افزاری به تجهیزات کامپیوتری، تجهیزات آزمایشگاهی و لابراتوار زبان اشاره دارد و زیرساخت‌های نرم‌افزاری شامل نرم‌افزارها، محتوا و برنامه‌هایی الکترونیکی در رابطه با آموزش زبان و ادبیات فارسی می‌باشد. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، وضعیت زیرساخت‌های سخت و نرم موردنیاز برای انتقال دانش زبان و ادب فارسی در سطح برون‌مرزی چنین توصیف شده است که "زیرساخت‌ها هیچ‌گاه فراهم نیست

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

و این‌ها به‌تدریج فراهم می‌شود. در ایران زیرساخت‌های سخت‌افزاری مثل کلاس و آزمایشگاه زبان و کتاب و.. به‌سرعت فراهم‌شده است. ولی در مورد نرم‌افزار هنوز عقب هستیم. تلاش می‌کنیم تا کتاب‌ها را به‌صورت نرم‌افزاری آماده‌سازی کنیم و در اختیار زبان آموزان قرار دهیم"(کد ۳)..."در سوریه زیرساخت‌ها آماده بود و می‌توانست مرکز آموزش زبان به همه کشورها شود. چون شبکه‌های خیلی گسترده‌ای برای همه کشورها داشت ولی فناوری آن‌ها از کشور ما عقب‌تر است و ایران بیشتر به آن‌ها کمک کرده است" (کد ٤).

۲-۳-٤. فاصله فیزیکی: نتایج به‌دست‌آمده در این خصوص حاکی از آن است که فاصله فیزیکی با توجه به گسترش فناوری‌های حمل‌ونقل امروزه مشکلی برای برقراری تعامل و انتقال دانش ایجاد نمی‌کند. بلکه آنچه مهم است همان مشکلات و موانع سیاسی و گاهی فرهنگی است. به‌طور نمونه، یکی از مصاحبه‌شوندگان بر این عقیده است که "فاصله‌های جغرافیای در دنیا الآن مشکل‌آفرین نیست. ولی آگه تبعاتش قومی، نژادی یا فرهنگی باشد، شاید کمی مشکل پیش بیاد" (کد ۵).

۲-٤. رسانه:

رسانه به‌عنوان چهارمین مؤلفه فرایند انتقال دانش ناظر بر زبان، کانال‌های ارتباطی و فناوری‌های اطلاعات می‌باشد.

۲-٤-۱. کانال‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات: بنا بر شواهد به‌دست‌آمده، مهم‌ترین واصلی‌ترین رسانه مورداستفاده برای عرضه دانش زبان و ادب فارسی در همه کشورهای موردنظر «کتاب» بوده است. به‌طور نمونه، برخی استادان بیان داشتند که "رسانه خاصی اون موقع نبود شاید سی دی، نه سی دی هم نه‌فقط نوار بود که بعضی چیزها را ضبط کرده بودند و کسی اینترنت را نمی‌شناخت و ویدئو هم نبود و کتاب‌هایی داشتن برای آموزش پایه و متون ساده فارسی براشون می‌گفتیم قصه‌های بزرگ‌سالان" (کد ۲). علاوه بر کتاب در برخی کشورها، فناوری‌هایی مثل کامپیوتر و اینترنت در قالب فایل‌های محتوای الکترونیکی، سایت‌های اینترنتی و فیلم و موسیقی استفاده می‌شده است: "علاوه بر کتاب، نرم‌افزار که این‌ها به‌صورت پاورپوینت آماده‌شده و سی دی و فرهنگ زبان هم در سی دی آماده شد. ولی طراحی نرم‌افزارهای حرفه‌ای‌تر لازم است. برخی کانون‌های زبان هم مواد آموزشی خوبی تهیه‌کرده‌اند که به‌صورت صوتی و تصویری می باشد". همچنین، کارگاه‌های آموزشی، جشنواره‌های ملی و محلی،

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

سفرهای علمی به‌عنوان راه‌های دیگر انتقال دانش مورداستفاده واقع شده است. به‌طور مثال، در یک مصاحبه عنوان شد که " یک کار یک هفته جشن ملی داشتند و هر دپارتمانی با زبان خودش که تدریس می‌کرد نمایشنامه با فرهنگ خاص همان زبان برگزار می‌کردند مثلاً ما از آن‌ها خواستیم به زبان فارسی نمایشنامه فارسی اجرا کنند، بازارچه کالاهای خاص ایرانی درست کرده بودند به فروش می‌گذاشتند، مثلاً دخترهای ژاپنی چادر سیاه به سر کرده بودند تا فرهنگ ایرانی را نشان دهند"..." گاهی سفرهای بیرون شهری می‌رفتیم و از اون سفرها بسیار استفاده می‌کردیم" (کد ۲)..."بخش‌هایی از آموزش و برنامه آموزشی ما مطبوعات و مجلات و این‌ها بود در ازبکستان فیلم هم یکی دو ساعت نمایش می‌دادیم در لهستان هم بود ولی در برنامه نبود. در لهستان چون ذوق هنری از جنس سینمایی زیاد بود دائماً از کارگردان‌ها دعوت می‌کردند و فیلم نمایش می‌دادند مصاحبه می‌کردند"(کد ۵).

۲-٤-۲. زبان: از لحاظ زبان، وضعیت انتقال دانش زبان و ادب فارسی را در چهار دسته از کشورها می‌توان موردبحث قرار داد. دسته اول کشورهای لبنان، سوریه و پاکستان هستند که حروف الفبایی یکسان با زبان فارسی دارند. لذا، انتقال دانش زبان و ادبیات فارسی در این کشورها با مشکلات کمتری همراه بود. به‌طور نمونه، "در لبنان علاوه بر مشابهت حروف الفبای تعداد ۱۵۰۰ کلمه مشترک نیز بین عربی و فارسی است که از ابتدا دانشجویان این گنجینه لغت را دارند و همین کار را بسیار ساده‌تر می‌کند" (کد ۳). دسته دوم کشورهایی مانند انگلستان، ژاپن و لهستان هستند که حروف الفبایی مشترک با زبان فارسی ندارند. لذا، این گروه در مقایسه با گروه اول، با مشکلات بیشتری در انتقال دانش زبان فارسی مواجه می‌شوند. به‌طور مثال، یکی از استادان در این زمینه بیان داشت که "طبیعی است که در ژاپن قدری مشکل‌تر است. یادگیری زبان به خاطر اینکه از فارسی دور بود، سخت بود. لذا، اغلب از زبان واسطه انگلیسی استفاده می‌شد." (کد ۲). دسته سوم کشورهایی را شامل می‌شود که ازلحاظ فرهنگی و ذوق ادبی به فرهنگ ایرانی نزدیک هستند و مفاهیم مشترک ادبی بین دو کشور زیاد است. به‌عنوان‌مثال" البته در ازبکستان، هند و پاکستان جنبه‌های ذوقی ادبی آثارشان که به فارسی نزدیک‌تر است کمتر مشکل بود" (کد ۵). دسته چهارم شامل کشورهایی است که تشابه فرهنگی و ادبی با ایران ندارند و حتی ساختار زبان و مفاهیم در آن‌ها متفاوت است. در این کشورها انتقال مفهوم بسیار سخت‌تر از موارد دیگر صورت می‌گیرد. به‌طور نمونه،" در لهستان کلمه دوپهلو و تعارف اصلاً ندارند. در زبان آن‌ها تشخیص مرز بین طنز شوخی و جدی خیلی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

سخت بود. ازاین‌جهت باید یک کسی در ایران حضور می‌داشت تا بفهمد شما چه می‌گویید. تفسیر بعضی بیت‌ها و متون ادبی خیلی دیر برایشان هضم می‌شد و خصلت زبانی و فرهنگی آن‌ها مجالی برای این‌جور کاربردهای خاص و طنزآمیز ایهام دار خیلی نداشت" (کد ۵).

جدول ۳: خلاصه یافته‌های پژوهش بر اساس مؤلفه‌های نظری

مؤلفه‌ها	زیر مؤلفه‌ها	نتیجه کلی
بازیگران	میزان باز بودن و اعتماد و صداقت	میزان پذیرش و باز بودن همه کشورها مطلوب ارزیابی شد.
	انگیزه	الف) انگیزه اشاعه و ترویج فرهنگ ایرانی و گسترش و حفظ زبان ملی به‌منظور بهبود ارتباطات بین‌المللی؛ ب) انتقال عقاید و باورهای دینی و مذهبی و انتقال پیام جمهوری اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی به کشورهای دنیا بیش از همه مطرح شد.
	قابلیت جذب و شایستگی برای انتقال دانش	انگیزه یادگیرنده برای یادگیری؛ آشنایی آن‌ها با فرهنگ ایرانی به‌عنوان محرک یادگیری؛ تلاش و پشتکار دانشجویان برای یادگیری زبان دوم؛ فرهنگ دینی و زبان مشترک. در اکثر تجارب ذکرشده از کشورها این شایستگی‌ها قابل‌ملاحظه است،
محتوا	ماهیت و نوع دانش	محتوا: دانش زبان و ادبیات فارسی که عموماً به‌صورت ایجاد کرسی زبان فارسی و برگزاری دوره‌های بازآموزی برای استادان و دانشجویان خارجی توسط دانشگاه فردوسی مشهد بوده است.
زمینه	تفاوت‌های فرهنگی	عامل فرهنگ در کشورها با فرهنگ مشابه تقویت‌کننده و در کشورها با فرهنگ متفاوت بازدارنده بود.
	روابط و سرمایه اجتماعی	تجربه دانشگاه فردوسی در این مورد مثبت ارزیابی شده است.
	فاصله فیزیکی	فاصله فیزیکی مانعی در انتقال دانش ایجاد نمی‌کند.
	زیرساختارهای سازمانی	شامل دودسته زیرساخت‌های نرم و سخت که در کشورهای موردنظر زیرساخت سخت از نرم آماده‌تر بود.
رسانه	زبان	کشورهایی که حروف الفبایی مشابه فارسی داشتند مشکل کمتری نسبت به کشورهایی که حروف آن‌ها متفاوت بود، داشتند.
	کانال‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات و ارتباطات	اغلب به‌صورت کتاب و در برخی موارد از سی دی، نمایشنامه، فیلم، موسیقی و سفر علمی استفاده‌شده است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

۳- سوق‌دهنده‌ها و بازدارنده‌های انتقال دانش زبان و ادب فارسی در بستر همکاری‌های دانشگاهی بین‌المللی

بانظر به دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان، مهم‌ترین عواملی که وجود و تقویت آن‌ها در مقام سوق دهنده و عدم توجه و نبود آن‌ها در مقام بازدارنده‌های انتقال دانش زبان و ادب فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد به‌عنوان یک منبع مهم عرضه‌کننده خدمات آموزش عالی فارسی قابل‌ملاحظه‌اند عبارت‌اند از عوامل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، زبانی و فردی (جدول ٤).

جدول ٤. عوامل سوق‌دهنده و بازدارنده‌ی مؤثر بر انتقال دانش در بستر همکاری‌های دانشگاهی بین‌المللی

مؤلفه	سو ق دهنده‌ها	بازدارنده‌ها
سیاسی	هم خط بودن گروه حزب آ... در لبنان با جمهوری اسلامی ایران ازلحاظ سیاسی (کد ۳)	احساس عدم امنیت برای انگلیس‌ها و ژاپنی‌ها در ایران (کد ۲)
		ترویج ایران هراسی در کشورهای دیگر (کد ۳)
		ایجاد ذهنیت منفی نسبت به ایران (کد ۲)
فرهنگی	تشابه فرهنگی با کشورهای همسایه مثل هند، پاکستان و ازبکستان (کد ۵) سوریه (کد ٤)	عدم تشابه فرهنگی با کشورهای غربی مثل لهستان (کد ۵) ژاپن و انگلیس (کد ۲)
	تشابه ذوق و سلیقه هنری در کشورهای هند، پاکستان و ازبکستان (کد ۵)	فقدان تبلیغات هنری، گسترده و متنوع ازآنچه فرهنگ ما دارد (کد ۳)
زیرساخت‌ها	آمادگی زیرساخت‌ها در ژاپن و انگلیس (کد ۲) سوریه (کد ٤)	عدم آمادگی زیرساختی و بدتر بودن موقعیت کشورهای لبنان (کد ۳) هند و پاکستان و ازبکستان (کد ۵)
	کمک‌های مالی ایران به آماده‌سازی زیرساخت‌های سوریه (کد ٤)	مشکل اقتصادی برای ایجاد بخش یا گروه زبان فارسی در کشورهای دیگر (کد ۲، کد)
زبان	مشابهت حروف الفبایی در کشورهای لبنان (کد ۳) سوریه (کد ٤) و پاکستان (کد ۵)	عدم مشابهت حروف در کشورهای لهستان (کد ۵) ژاپن و انگلیس (کد ۲)
	تشابه ایهام و استعاره‌های ادبی به دلیل تشابه فرهنگی و تسهیل انتقال مفهوم (کد ۵)	عدم تشابه ایهام و استعاره‌های ادبی به دلیل عدم تشابه فرهنگی و تفاوت ساختارهای زبانی (کد ۵)
بازیگران	کارایی مثبت مدرسان و ایجاد سابقه خوب (کد ۵)	اشتباهات برخی از اساتید گذشته در انتقال مذهب و ایدئولوژی در لفافه زبان فارسی و ایجاد ذهنیت منفی در کشورهای دیگر (کد ٤) سابقه داشتن تجربه منفی از مدرسان گذشته (کد ۲)

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر انتقال دانش زبان و ادب فارسی در همکاری‌های بین دانشگاهی بین‌المللی بود. برای این منظور، از دیدگاه دست‌اندرکاران و استادان فعال و دارای تجربه به بررسی تجربه دانشگاه فردوسی مشهد در زمینه گسترش زبان و ادبیات فارسی در سطح بین‌الملل پرداخته شد. نتایج حاصل از مصاحبه‌های صورت گرفته در چهارچوب الگوی مفهومی عوامل مؤثر بر انتقال دانش فراملی با تأکید بر چهار مؤلفه اصلی بازیگران، محتوا، زمینه و رسانه گزارش شدند.

بنا بر نتایج به‌دست‌آمده، در فرایند انتقال دانش زبان و ادب فارسی علاوه بر دانشگاه فردوسی مشهد، بازیگران دیگری نظیر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، رایزنی فرهنگی ایران و سفارتخانه‌های ایران در کشورهایی مانند لبنان، سوریه، لهستان، ازبکستان، افغانستان، اکراین، استرالیا، یوگسلاوی، ژاپن، انگلیس به‌عنوان عرضه‌کننده دانش فراملی نقش‌آفرینی می‌کنند. تعدد بازیگران، زمینه ورود اهداف و انگیزه‌های مختلف به برنامه‌های آموزش عالی فراملی را فراهم ساخته است. علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد که انتقال مؤثر دانش فراملی زبان فارسی نیازمند توجه به الزاماتی است که تجربه دانشگاه فردوسی مشهد در برخی عامل‌ها نظیر باز بودن و روابط مبتنی بر اعتماد و صداقت با کشورهای مزبور می‌باشد که البته زمینه تسهیل و تسریع این روابط به‌طور عمده بر پایه اشتراکات فرهنگی، زبانی، دینی و سیاسی استوار است این یافته هم‌راستا با یافته‌های دان و نی (۲۰۱۰) می‌باشد آن‌ها نیز در تحقیق خود به اهمیت باز بودن، اعتماد و صداقت بین دو طرف گیرنده و فرستنده اشاره‌کرده‌اند. در این میان همان‌طور که رحیمیان (۱۳۸٦) و دان و نی (۲۰۱۰) در مطالعات خود بیان کردند، فاصله جغرافیایی با تکیه‌بر قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات اغلب کم‌اهمیت تلقی شده است. همچنین، وجود محرک‌های یادگیری زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم زمینه لازم برای ایجاد و تقویت قابلیت جذب و شایستگی‌های لازم برای انتقال دانش زبان فارسی را در کشورهای متقاضی این خدمات فراهم می‌نماید. از مهم‌ترین این محرک‌ها در تجربه اخیر دانشگاه فردوسی مشهد با کشور لبنان، اشتیاق متقاضیان برای آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی (ره) می‌توان اشاره کرد این یافته پژوهش هم‌راستا با یافته رحیمیان (۱۳۸٦) که در پژوهش خود عنوان کرده است که فراگیران غیرفارسی‌زبان برای سیراب شدن از اندیشه‌ها و آموزه‌های امام خمینی و اسلام شوق یادگیری زبان فارسی را دارند، می‌باشد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

محتوای فرایند انتقال دانش فراملی، زبان و ادب فارسی است که طی تجربه دانشگاه فردوسی مشهد به شیوه‌های مختلف ازجمله ایجاد کرسی‌های زبان فارسی، تأسیس قطب علمی زبان و ادب فارسی، برگزاری دوره‌های بازآموزی، تأسیس شعبه دانشگاهی در تاشکند/ازبکستان (طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲) و تأسیس مرکز علمی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان صورت می‌گیرد. رایج‌ترین روش برای عرضه این محتوا، ایجاد کرسی‌های زبان فارسی در کشورهای مختلف بوده است. تجربه جدید تأسیس مرکز علمی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در دانشگاه فردوسی مشهد، نمود واقعی کوشش دانشگاه برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در سطح روابط بین‌المللی به‌عنوان یکی از عامل‌های مؤثر در فرایند انتقال دانش فراملی به شمار می‌آید.

بنابراین، در آستانه ورود به عصر جامعه دانایی محور و به‌منظور پاسخگویی مناسب به افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی، انتظار می‌رود پدیده آموزش عالی فراملی به‌عنوان یک فرصت مناسب تلقی شود و از سوی مسئولان و متولیان دانشگاه فردوسی مشهد به‌عنوان یک ضرورت اساسی برای رقابت در عرصه آموزش عالی بین‌المللی باور و پذیرفته شود. به نظر می‌رسد دانشگاه فردوسی مشهد با نظر به نقش و جایگاه استراتژیکی خود در شرق کشور ایران و خراسان رضوی عمده زمینه همکاری‌های بین‌المللی خود با مراکز علمی خارج از کشور را بر تقویت، توسعه و اشاعه فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی با تدوین برنامه جامعی که اهداف، برنامه‌ها، زیرساخت‌ها، فرایندها و رویه‌های ارائه این خدمات را به‌طور مشخص به تصویر بکشد، متمرکز نماید. علاوه بر این، انتظار می‌رود سیاست‌ها, اهداف و رویه‌های مربوط به ساختار مدیریت, تسهیلات آموزشی و رفاهی, اهداف و محتوی برنامه‌ها و واحدهای درسی متناسب با نیازهای فرهنگی و زبانی جوامع و با در نظر گرفتن زیرساخت‌های فنی و اجتماعی لازم برای عرضه خدمات آموزشی و پژوهشی تنظیم و تدوین شود. در این میان، مدرسان به‌عنوان نمایندگان و مروجان فرهنگ و زبان ایرانی–اسلامی نقشی مهم در فرایند انتقال دانش فراملی ایفا می‌کنند. از این حیث که غلبه بر بسیاری از محدودیت‌های فرهنگی، اقتصادی، زبانی و حتی سیاسی وابسته به توانمندی‌های استادان اعزامی به این کشورها و نیز ایجاد انگیزه در بین غیرفارسی‌زبانان علاقه‌مند به فراگیری زبان و ادب فارسی می‌باشد. ازاین‌رو، طرح برنامه‌ای آموزشی به‌صورت برگزاری نشست‌های مشترک سالانه برای استادان باهدف به اشتراک‌گذاری تجربه‌های موفق و ناموفق و سپس مستندسازی آن‌ها به شکل دستورالعمل‌ها و رهنمودها می‌تواند مؤثر واقع شود. و از طرفی آموزش‌های لازم در خصوص عناصر کلیدی ارتباط بین دو کشور به مدرسانی که کاندید این تبادلات علمی هستند، داده شود. تنوع‌بخشی عرضه خدمات آموزش عالی فراملی در ابعاد مختلف آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و فناوری می‌تواند ضمن کمک به رفع محدودیت‌های احتمالی، زمینه تقویت همکاری بین‌المللی را فراهم آورد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

به‌طورکلی پیشنهاد می‌شود که مدیران و مسئولان روابط بین‌الملل دانشگاه به تدوین برنامه‌ها و کارگاه‌هایی جهت تسهیل استقرار عناصر انتقال دانش بین دو کشور برگزار نمایند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]

فهرست منابع:

بازرگان؛ عباس؛ حسینقلی زاده، رضوان؛ اسدی، نسرین (۱۳۸٦). *آموزش فراملی در ایران و پیشنهاد ساختار مناسب برای ارتقاء کیفیت آن*. طرح پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

رحیمیان، جلال (۱۳۸٦). آموزش زبان فارسی در برزیل: مشکلات و راهکارها. نشریه علمی- پژوهشی گوهرگویا، شماره ۲.

Albino, V., Garavelli, A. C., & Schiuma، G. (1998). Knowledge transfer and inter-firm relationships in industrial districts: the role of the leader firm. *Technovation*، *19*(1), 53-63.

Dawes, S. S., Gharawi, M., & Burke, B. (2011, January). Knowledge and information sharing in transnational knowledge networks: a contextual perspective. In *System Sciences (HICSS), 2011 44th Hawaii International Conference on* (pp. 1-10). IEEE.

Duan, Y., Nie, W., & Coakes, E. (2010). Identifying key factors affecting transnational knowledge transfer. *Information & management*, *47*(7), 356-363.

Gharawi, M. A., Dawes, S. S., & Dawes, G. (2010). Conceptualizing Knowledge and Information Sharing in Transnational Governmental Networks.

Lee H, Choi B. Knowledge management enablers, processes,and organizational performance: an integrative view and empirical examination. J Manage Inform Syst 2003;20(1):179–228.

Lisana & Pillay, Hitendra (2012). Social ties as key knowledge transfer agents between Indonesian and Australian universities: Perspectives from an Indonesian university. In Brown, N., Jones S. M. and Adam, A. (Eds.) Research and Development in Higher Education: Connections in Higher Education, 35 (pp 298 – 308). Hobart, Australia, 2 – 5 July 2012.

Michels, N. (2011). A Conceptual Approach towards Understanding Issues in the Third Stream: Conceptions of Valid Knowledge and Transfer in UK Policy. In *Innovation through Knowledge Transfer 2010* (pp. 43-61). Springer Berlin Heidelberg.

Miesing, P., Kriger, M. P., & Slough, N. (2007). Towards a model of effective knowledge transfer within transnationals: The case of Chinese foreign invested enterprises. *The Journal of Technology Transfer*, *32*(1-2), 109-122.

Organization for Economic Co-operation and Development (2002). Education at a Glance.Paris: OECD.

Sutrisno, A., Hartanto, D., & Pillay, H. K. (2012). Transnational higher education programs for facilitating inter-university knowledge transfer: University of Indonesia's experience. In *23rd ISANA International Education Association Conference Proceedings*. ISANA International Education Association Inc.

Van Der Heide, S., Van Der Sijde, P. & Terlouw, C. (2007).Exploring 'transnational' university cooperation in knowledge transfer: A European perspective. Industry and Higher Education 01/2010; 24(1):17-27.

Vignoli, G., (2004) "What is transnational education?" Retrieved from http://www.cimea.it/files/207_114.pdf

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-29]